



نظامنامه اساسی

دَوْلَتِ عَلِيّهٔ اَقْبَانِيّه

در مطبع ریاست شرکت محترم رفیق واقع ماہ شنبه
دار السلطنه کابل طبع شد

۱۳۰۵
یوم شنبه (۱۶) برج دلو

تعداد طبع (۳۰۰۰) کجا



نظامنامه اساسی دولت علیه افغانا

(۱) — دولت علیه افغانستان اداره امور داخله و خارج خود را به استقلال تامه حائز بوده همه محلات و قطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیه ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد و هیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمی شود.

(۲) — دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذہب رسمی مجموعی آن مذہب منسیف حنفی است ، دیگر ادیان اهل بنود ، یهودی که در افغانستان بهتدب بتا دیکه جزیه و علاقه همیشه تابع بوده بش طریقی که آسایش و آداب عمومی را داخل

نگین نیز بخت تا مین گرفته میشوند.

(۳) — پای تخت مملکت افغانستان شهر کابل است و امانی تمامی

مملکت افغانستان بالمساوی بنظر حکومت هستند که هیچ اقتیاری

امالی شهر کابل نسبت ب دیگر شهرها و قصبیات مملکت محروم و نه افتیاری

ندارند.

(۴) — بنا بر ضوابط فوق العاده اعلی حضرت همایون که در راه حرم

و تعالی و استقلال ملت افغانستان ابراز نموده اند، ملت بختیاری

افغانستان متعهد میشوند که سلطنت افغانستان به اولاد این

پادشاه ترفیخاوه افغانیان به اصول اولادیت به انتخاب اعلی حضرت

پادشاهی و امانی ملت استقلال میکنند و ذات ملوکانه در حدین جلوس

ایک سلطنت بالمواجبه شراف و امانی متعهد میشوند که مطابق شرع

شریف و این نظامنامه اساسی احسرای اوامر حکومت

نموده، استقلال افغانستان را رعایت و براس و وطن و ملت

نود صداقت نمایند.

(۵) — ذات حضرت پادشاهی خادم و حامی دین مبین اسلام و حکمدار

پادشاہِ عموم بخدا افغانستان است.

(۶) امور مملکت بذریعہ ذوالکے دولت کہ (بارادہ سنیہ انتخاب

وتعین میشوند) اداره میشود، و ہرکدام وزراء مسئول امور

متعلقہ شان شغافت میشوند، ازین سبب ذات ہمایونی

غیر مسئول میباشند.

(۷) و خطبہ مذکور نام پادشاہی ضرب گہبت نام پادشاہ و تعین رتبہ مطابقت

توانین مخصوص اعطای نشان و انتخاب و تعین صدر اعظم

بہیئت وزراء و عزل و تبدیل شان و تصدیق نظامات

عمومیہ و اعلان مرتبت شان، و محافظہ و اجراء حکام

شرعیہ و نظم اساسیہ و قوانین عمومیہ و کبری افغانستان

و اعلان حرب و عقد صلح و علی العموم معاہدات و عفو

و تخفیف مجازات قانونیہ عمومیہ خصوصاً از حقوق حلیہ

پادشاہی شہرہ سے شونہ

دور و دور و دور و دور
چون که در وقت تبعیض افغان
استان

(۸) — همه افراد که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفریق
دینی و مذہبی تبعیض افغانستان گفته میشوند، صفت تابعیت
افغانیہ مطابق نظامنامہ مخصوصہ استحصال و یا
کرده می شود.

(۹) — کافہ تبعیض افغانستان در امور دینی و مذہبی و نظامات سیاسی
دولت کلیتہ خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق
شخصی خود را مالک هستند.

(۱۰) — حریت شخصیتہ از هر گونه تعرض و مداخلت مصونست ،
هیچ کس بدون امر شرعی و نظامات مقننہ تحت
توقیف گرفته و مجازات کرده نمیشوند، در افغانستان اصول
اسارت بالکل موقوف است، اذرن و مردیچ کس
دیگرے را بطور اسارت استخدام کرده نمیتواند.

(۱۱) — مطبوعات و اخبار است داخلیہ مطابق نظامنامہ مخصوصہ

آن آزاد میباشند، نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا
 مالی تبعه افغانیه است، و دربارهٔ مطبوعات خارجه دولت^{علیه}

افغانستان بعضی شرائط و قیود نهاده میتواند

(۱۲) — تبعه افغانستان مطابق نظامات موضوعه برکے تجارت

و صنعت و زراعت هرگونه شرکتها کرده میتواند.

(۱۳) — تبعه افغانستان مفروضاً اگر خلاف شریعت غرا

و یا اطلمات دولت از طرف مأمورین یا دیگرے حرکت

وز قاریے ملاحظه کنند به ادارتای دولت عرض

میکنند، اگر در وادار حکومتی مرجوعه اشس به بازخواست

و استماع عرض شان پرداخت نکنند، علی الترتیب باوق

شان استغاثه نمایند، در صورتیکه هیچیک بازخواست نگردد

رأساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میتواند.

(۱۴) — امرتدریس بالکل آزاد است، مطابق نصاب معارف عمومی

هر فرد تبعه افغانستان عموماً بطور عمومی و خصوصی برا

تدریسات مآذون و مجاز میباشند اما اشخاص اجنبی استثنای

نفری که برای تعلیم استخراج می شوند، داخل مملکت افغانستان به اقتراح و اداره مکاتب مجاز نیستند .

(۱۵) — عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت

میباشند، حکومت به همه اسباب و تدابیری که برای تربیت عالییه و ملییه و سایر همه تبایع افغانستان برسیاق انتظام و اتحاد میباشد، نظر دقت می گیرد، اما اصول تعلیمی که با اعتقادیته و ندرستی اهل ذمه و افراد مستأمنه تعلق دارد اجلال کرده نمی شود .

(۱۶) — کانه تبعه افغانستان بجزو شرعیات غیر از نظامات دولتی

در حقوق و وظایف مملکت حق مساوات دارند .

(۱۷) — عموم تبعه افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت شان در همه

اموریت ما به اندازه احتیاج دولت استخدام میشوند

(۱۸) — مالیات و محصولات مقرره مطابق نظامنامه های مخصوصه

برای تبعه افغانستان بابت ثروت و اقتدارشان تعیین و گرفتار میشوند .

(۱۹) — در افتانتان هر شخص از مال و ملک و خودش که در تصرف

او باشد در امن می‌باشد، اگر یک ملکی بمقتصد در مباح

بکار دولت شود موافق نظامنامه مخصوصه آن اولاد

آن را بصاحبش تا ویران نکرده، بعد ملک را گرفته متوا

(۲۰) — مسکن و جا که هنوز در تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصون

و هیچ کس از طرف حکومت و سائره بدون احکام نظامات

بخانه شخصی جبراً با استیذان داخل شده نیست تواند.

(۲۱) — در محاکمه عدلیه عرض و داد عمومی مطابق شریعت

و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه فیصله کرده میشود.

(۲۲) — مصادره و بیگاری با اکل ممنوع است، اما کار و تکالیفی که در

زمان محاربه پیش شود مطابق نظامنامه مخصوصه

آن ازین قاعده مستثنی است.

(۲۳) — خارج نظامات دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمی‌شود.

(۲۴) — شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوفست و خارج احکام شریعت

شرعی و نظامات دولت که موافق احکام شریعت باشد برای محاکمات

(وَكَرَاءِ)

(۲۵) - سردار افغانستان و طیفه اداره حکومت مفوض است بهیئت

وزراء و اداره مستقلمه درجین اجتماع بهیئت وزراء

ریاست مجلس را ذات ملوکانه ایفا می نمایند، و اگر

ذات شاهانه تشریف نداشته باشند، صدر اعظم

بو طیفه ریاست می پردازد، و اگر صدر اعظم اثبات

وجود نداشته، از جمله وزراء وزیر وزارت اول و طیفه

ریاست را اجرا می سازد.

(۲۶) - وکیل که در حال غیاب یکی از وزراء تعیین میشود

عیناً اختیارات و حقوق همان وزیر را داراست.

(۲۷) - در هر سال قبل جشن عمومی استقلال به یک روز مخصوص

که از طرف ذات شاهانه معین فرموده میشود در پیر

ریاست شهر یاری یک دربار عالی با اعتقاد خواهد یافت، و در

لور مرکب است از رجال امورین دولت و اکابر و اشرا

از طرف ذات شاهانه انتخاب شده باشند، درصالح
آن هر وزیر و مدیر مستقلاً اجراءات و خدمات یکساله
خودشانرا اعلانیان و اینصالح خواهد نمود.

(۲۸) - صدر اعظم و دیگر وزراء از طرف قرین الشرف
پادشاهی انتخاب و تعیین میشوند.

(۲۹) - مجلس وزراء مرجع امور محتمله داخلی و خارجی دولت است،

مذاکرات مجلس وزراء برقرار و لوهای که محتاج تصدیق
میشوند، بعد از امضاء اعلحضرت بهایونی در معرض اجرا
گذاشته میشوند.

(۳۰) - وزراء امورات مربوطه وزارت متعلقه خود را به اندازه

که در حوصله اختیارات خودشان است اجراء و مانو
انرا آنچه رأیاً بحضور اشرف بلوکانه تقدیم میشود،

بحضور اعلحضرت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل لایحه

وظائف مجلس وزراء و متعلقه مجلس کوربا به مجلس عالی وزراء تقدیم القا

مینمایند، مجلس وزراء در موارد مقدمه موافق نظامنامه مخصوصه

مجلس وزراء مذاکره و مباحثه نموده حل و فصل و آراء
خود را امضای نمایند .

(۳۱) - هر یک از وزراء در سیاست عمومی دولت مشترک
و در امور موظف وزارت متعلقه خود خصوصاً بحضور اشرف
ملوکانه مسئول شناخته میشوند .

(۳۲) - در امور که از حضور شانانه به یکی از وزراء و یا دیگر کمیسرین
اشرفیابی شود، احکام تحریری آنرا به امضای همایونی
حاصل نمایند .

(۳۳) - یکی از وزراء دولت اگر از روی وظیفه مأموریت
شان تحت محاکمه گرفته شوند، محاکمه آنها به دیوان عالی
عاید و راجع است، و اصول محاکمه شان موافق نظامنامه
مخصوصه حل و فصل میگردد، و دیگر عاوی شخصیت
وزراء که خارج وظیفه مأموریت شان باشد مانند سایر
رعایا به محاکم عدلیه مراجعت نمایند .

(۳۴) - وزیر که از طرف دیوان عالی تحت اتهام می آید

الی تجب محاکمه و برائت شان از وظیفه وزارت معطل نمایند
 (۳۵) :- مقدار وزارتات و تشکیلات دوا کرد و طائف شان
 در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته .

(مأمورین)

(۳۶) :- بالعموم مأمورین مطابق مواضع که در نظامات مخصوصه
 ایضاح گردیده، بامویشسانی که الیق و مناسب باشند
 تعیین کرده میشوند، و بچیک مأمورین تا زمانیکه از وظیفه خود
 مستعفی نشوند، و یا از سوء رفتارشان موجب عزل نگردند،
 و یا از طرف دولت بنا بریک امر ضروری لازم تبدیل
 و موقوفی نباشند اصلا عزل و موقوف نمی شوند، و
 مأمورینی که حسن سلوک و استقامت خدمت خود را
 ابراز نمایند استحقاق ترقی رتبه و ماموریت مستمری را دارند
 (۳۷) :- وظائف مأمورین در نظامات مخصوصه تعیین و تفویض
 گردیده هر مأمور موافق نظامنامه های مخصوص از وظایف

موقوفہ اش مسؤل شناختہ میشود .

(۳۸) — ہر گز مامورین علی المراتب در اطاعت امر مافوق شان موافق نظامات دولت مکلف و موقوف مہنتند و اگر از طرف مافوق انہا در اجراء کے کد ام امر خلاف نظامات دولت اصرار شود، مامورین ماتحت شان بمرکز وزارت اطلاع نمایند، و ہر گاہ بدون اطلاع مرکز او امر خلاف قانون را اجراء کنند، اتھانیز مسؤل شناختہ میشوند .

مجالس مشاورہ شورائی دولت

- (۳۹) — در مرکز دارالسلطنہ یک ہیئت شورائے دولت و در تاجک حکومتی و حکومتی ہائے اعلیٰ و حکومتی ہائے اول و دوم و سوم و علاقہ داری یک یک مجالس مشاورہ موجود است .
- (۴۰) — با اعضاء مجالس مشاورہ و شورائے دولت از اعضاء طبیعتیہ و اعضاء منتخبہ مرکب میباشند .
- (۴۱) — اعضاء طبیعتیہ مجالس مشاورہ از مامورین ہستند کہ در نظام

تشکیلات اساسیہ توضیح یافتہ تشکیل مییاب، و اعضا
 طبیعت شوراسے دولت بالمساوی تعداد اعضا منتخب
 شورای رأسا از طرف قرین الشرف، علمحضرت ہمایونی
 منتخب و تعیین کردہ میشوند، اعضای منتخبہ تماماً از طرف
 امالی معین و مقرر میشوند، در باب صورت انتخاب اعضا
 در نظامنامہ تشکیلات اساسی مواجد آگاہانہ موجود است۔
 (۲۲)۔ مجالس مشاورہ و شوراسے دولت علاوہ بروطالیفے کہ در نظامنامہ

تشکیلات اساسی نشان دادہ شدہ بو طائف ذیل مؤلف ہوتے
 الف، بجائے ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف،
 ہنر، تکالیفی کہ لازم ہیں بدولت عرض نمایند۔

ب، در خصوص مالیات و محصولات و دیگر معاملات حکومت
 اگر مخالف اصول نظامات معاینہ ہنر مقصد اصلاح
 امور حکومت عرض و الحاح نمودہ میستوانند۔

ج۔ اگر در حقوق کہ موافق این نظامنامہ بر امالی دادہ شدہ
 از یک طرف اخلال واضع ہونے لگے گنند و زبرد حکومت

صلاحیت عرض و استغاثه را دارند.

(۴۳) — فقرا تے کہ مجالس مشاوره ولایات و محاللات بجز در الحکومت

و حکام عرض تقدیم نمایند، آنچه بدانند از اختیارات
نائب الحکومه و حکام باشد خودشان اجراء و مافوق آرا بوزارت
متعلقه همان شعبه ارجاع میدارند، از وزارت منسوب
اگر لازم آید باید باشد اجراء نموده و الا بروقی ماده (۳۰) تقنینیه
و اگر مسئله مواد قانونیه باشد، بموجب قاعده (۴۶) این
نظامنامه پردازند.

(۴۴) — در فقراتی که از مجالس مشاوره برای نائب الحکومه ما
و حکام محلی عرض میشود و از جانب آنها الی ایک ماه نتیجه
و جوابی بر اے شان ظاهر نشود، مجالس مشاوره
صلاحیت دارند که بشورای دولت عرض و ارجاع خود را
بنمایند.

(۴۵) — شورای دولت فقراتی را که مجالس مشاوره شکایتاً
می نویسند، رای خود را در ان باب نوشته بوزارت متعلقه

همان فقره اطلاع میدهد، اگر در جبرای آن از طرف وزارت معطلی واقع شود، شوراے دولت آن

فقره را تقدیم حضور بهایونی میتواند.

(۶۶) — نظامات دولت از طرف شوراے دولت تدقیق گردید

به مجلس وزراء تقدیم میشود، و بعد تصویب مجلس وزراء و منظوری حضور شاهانه در موقع اجراء باید.

(۶۷) — علاوه بر اعضائے طبیعیة دائمی شورای دولت نامورین

ملکی از نائب الحکومه الی الحکام اعلی و از منصب دران عسکری

تا او امشر که از مورتیت سبکدوش شده باشند، به اشتیای

اشتیای صحی که در تحت محاکمه بیابند در جمله اعضائے طبیعیة

شورای دولت موقفاً الی تعیین مامورتیت شان داخل شده میشوند.

(۶۸) — بودجه سالانه را که بوزارت مالیه تنظیم و ترتیب میشود، مطابق

نظامنامه بودجه عمومی مشورای دولت تدقیق بنمایند.

(۶۹) — تفاوتات و تعهدات که با اجانب میشود از طرف شورای

دولت مذاکره و تدقیق میگردد.

محاکمه

(۵۰) — در محاکم عدلیه هر نوع محاکمات بطور علنی اجرا میشود.

بعضی فقراتی که در نظامنامه مخصوصه محاکم نشان داده شده

محاکمه آنرا قاضی بطور خفیه اجرا کرده میتواند.

(۵۱) — در حضور محاکم هر کس برای محافظه حقوق خود همه وسایل

مشروع را پیش نهاد نموده میتواند.

(۵۲) — محاکم عدلیه در رؤیت و فیصله دعاویئی که داخل وظیفه

شان باشد، تعطیل و ماطله کرده نمیتوانند.

(۵۳) — همه محاکم از هر گونه مداخلت آزاد هستند.

(۵۴) — صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان به نظامنامه

تشکیلات اساسی ایضاح یافته.

(۵۵) — بیچاکس خارج محاکم عدلیه برای فیصله بعضی

فقرات مخصوصه یک محکمه فوق العاده تشکیل داده

نمیتواند.

دیوان عالی

(۵۶) — دیوان عالی خاص برائے محاکمہ وزراء دولت عندالامضا

موقتاً تشکیل مییابد، و بعد ایفا و سرانجام نمودن کار که بر او سپردہ شدہ منسوخ میشود.

(۵۷) — طرز تشکیلی دیوان عالی و اصول محاکمہ در آن مطابق نظامنامه مخصوص آن اجراء میشود.

امور مالیہ

(۵۸) — ہمہ محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اخذ کردہ میشود.

(۵۹) — ہر سال برائے واردات و مصارف دولت یک راجحہ تنظیم کردہ میشود و این بودجہ برائے واردات و مصارف دولت اساس بودہ، ہمہ واردات و مصارف از روئے آن اخذ و صرف میشود.

(۶۰) — بعد از تطبیق و اجراء بودجه سالانه یک محاسبه قطعی

تنظیم کرده میشود و این محاسبه قطعی بمقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی می باشد.

(۶۱) — برای تحقیق و تدقیق اینکه (آیا واردات و مصارفات دولت

حقیقاً موافق نظامنامه بودجه ایفا گردیده است یا نه) یک دیوان بخش تشکیل میاید (در خصوص دیوان بخش نظامنامه مخصوص

موجود است).

(۶۲) — برای تنظیم محاسبه قطعی و برای تنظیم بودجه و صورت

تطبیق و اجراء آن نظامنامه مخصوصه موجود است.

اِنَّ اَیْرَةَ وِلاَیَاتِ

(۶۳) — اصول اداره و لایات از سه قاعده اساسیه منبذ است

توسیع مآد و نیت، تفریق و طائف، تعیین مسئولیت

بنابر قواعد مذکور همه و طائف مأمورین و لایات مطابق نظام

موضوعه تعیین و تفهیم کرده شده است، و اختیار

مأمورین نیز بر طبق نظامات مخصوصه محسوس است، و هر

مأمور در وظائف خود علی‌المراتب مسئول شناخته میشود.

(۶۴) — در ولایات از هر شعبه وزارت مأمورین جداگانه مقرر

میشوند، افراد امالی برای اجرای کار و استخراج

خود اکتفا بر مأمورین شعبات مراجعت نمایند.

(۶۵) — اگر اجرای کار امالی به مأمور تھمیفان شود و یا در باره آنها مأمورین

غلاف نظامات دولت رفتار نمایند، افراد امالی از ^{تعیین} کار

و سایر رفتار آنها نزد آمران فوق‌شان و عندالاقضاء نزد سب

الحکومه یا محکام اعلیٰ عرض و استغاثه کرده میتوانند.

(۶۶) — تشکیل دوائر بلدیّه و وظائف آن در تطابق منامه مخصوص

توضیح یافته.

(۶۷) — هرگاه در یک حصه مملکت آثار عصیان و بغاوت که

معلنیّت عمومی باشد حس کرده شود، دولت اعلان ^{میت} جنگ

عسکریه نماید، و اداره عسکریه تشکیل می‌یابد.

مَوَازِنُ قَدَرٍ

(۶۸) :- برائے تبعہ افغانستان درجہ ابتدائیہ تحصیل معارف
حتمی و مجبوریست، درجات و تفرقات آن بیک
نظامنامہ مخصوص تعین یافتہ کہ برطبق آن معمول
مے شود۔

(۶۹) :- یک مادہ این نظامنامہ اساسی ہے سبب حیثیت
تعطیل و یا حکم اجراءے آن ساقط نمی شود۔

(۷۰) :- سبباً بر ایجاب اگر از مواد دست درجہ این نظامنامہ،
اساسیہ زوم تغییر و تبدیل شود، بعد آراءے ٹکٹان
اعضائے شورائے دولت و تصویب مجلس عالی
وزراء بحضور اشرف ہمایونی عرض میشود، بعد منظور
حضور شامانہ تغییر و تبدیل آن ممکن است۔

(۷۱) :- تشریح و تفسیر یک مادہ این نظامنامہ اساسی دیگر
نظامات دولت اگر لازم ویدہ شود، بشورای دولت حوالہ

گردیده بعد تصحیح و توضیح شورای دولت و تصویب
مجلس عالی و ذرا طبع و نشر میشود.

(۷۲) — در همین تنظیم نظامات معاملات امانی و مقتضیات
زمان مخصوصاً احکام شرعیة بنظر وقت گرفته میشود.

(۷۳) — مصونیت مکاتب یکی از حقوق امانی است و همه مکاتب

و مراسلات محصولی امانی که تودیع پوسته میشود و تا از طرف

یک محکمہ جواز تجسس نشود، در بیچ پوسته خانه و دیگر جا

باز کرده نمی شود و همچنان سربسته به مرسل الیه سپرده میشود

مواد این نظامنامه اساسی که به اتفاق آراء وزراء دولت

و تمامی وکلای ملت در مجلس "لویجرکه" سمت مشرفی براساس

دولت علیه افغانستان تصویب یافته، و مشتت و مبعده و در نظر

اعیان مجلس مذکور در موقفیت آن محضرو امضا کرده اند،

و نیز در مجلس معظم "لویجرکه" که بامه سلطان ۳۰، ۳۱ در پیمان از

علماء و سادات و مشایخ و وکلای دور و ساسے تمام مملکت افغانستان

تشکیل یافته تصویب گردیده، منظور است.

آذخال آنزاد جملہ نظامات دولت و اجراءے احکام موادش را
و ارادہ میکنم.



این ترجمہ فارسی با اصل نظامنامہ اساسی افغانستان در دسترس است

